



۲۰۱۹/۰۶/۲۰



م. اسحاق نگارگر

## مفهوم می و میخانه در ادبیات عرفانی



بیفشان زلف و صوفی رابه پابازی ورقص آور  
که از هر رقعۀ دلکش هزاران بُت بیفشانی  
(حافظ)

می گویند لفظ مُلا از مَله به معنای پُرآمده است اما بدبختانه برخی از مُلاها آنقدر از خرد و سواد تهی هستند که از این دیدگاه با لفظ مُلا در تضاد می افتند و اما غالب مُلاها از عَجب و خود بینی و غرور چنان پُر هستند که در هر زمینه بدون مطالعه کافی حکم صادر و قضاوت می کنند و چون گفته اند که فسادِ عالم فسادِ عالم است نه تنها خود را که مقتدیان خود را نیز در گردابِ عَجب و نادانی غرق می کنند. اگر صحبت از نوروز شد مُلا رگِ گلو می پنداند و حکم می کند حرام است و اگر حرفِ موسیقی به میان آمد بدون کوچکترین دانش در باره اثر آرام کننده موسیقی بر روان آدمی لستی از ضررهای موسیقی را قطار میکند و اگر کسی در موردِ صلاحیتِ عالیجناب ابراز شک و تردید کرد چماق تکفیر او بلند می شود.

چون امروز پیشرفت تکنالوژی معلوماتی به اصطلاح مزارای ها چنان «ملا خور» گردیده است که جناب مُلا نیز راه خود را به سوی انترنت و فیس بُک نیز باز کرده و همان عَجب و خود بینی را با خود به دنیای انترنت و فیس بُک نیز آورده است.

یکی از مسلماتِ دنیای ادبیات که مُلا نمی داند و نمی خواهد که بداند این موضوع بدیهی است که هر کلمه در معنی های وضعی؛ تشبیهی؛ استعاری؛ مجازی و بالاخره سمبولیک به کار میرود و به طور مثال وقتی گفته می شود: «مُلا بر شر و فساد چون شیر حمله میکند» اینجا کلمه «شیر» به معنای تشبیهی به کار رفته است و اگر کسی این علقه را در نظر نگیرد و به معنای وضعی لفظ «شیر» فکر کند و تمام خصوصیت ها و صفاتِ شیر را به مُلا بدهد اشتباه می کند و از مقصود گوینده دور می افتد.

یکی از مُلا صاحبان که سخت پُر از عَجب و خودبینی و خالی از دانش ادبی است مثل اینکه بیچاره حافظ در مجلس وعظ او حضور داشته باشد با نوعی تمسخر بییتی از آغازین غزل دیوان حافظ می خواند:

به می سجاده رنگین کن گرت پیرمغان گوید  
که سالک بیخبنبُود ز راه و رسم منزل ها

و میگوید:

این بدبخت چه می گوید: جای نمازت را به شراب بشوی و آنگاه نظر «عنایت» خود را شامل حال پیر خراباتیان  
بلخ و قونیه یعنی حضرت مولانا می کند و می گوید: «او مثنوی خو هیچ قابل خواندن نیس!»  
این بیچاره مُلا نمی داند که حافظ قبلاً برای او جواب خود را داده و گفته است:

حسد چه میبری ای سست نظم بر حافظ  
قبول خاطر و لطف سخن خدا دادست

مُلا های شکل گرا و خام در طول سالها بارها به مردم گفته اند که دیوان حافظ و مثنوی نخوانند ولی این دو  
شاعر عارف همیشه مؤنس دلهای مردم باقی مانده اند.

من این یادداشت را تنها بدین دلیل می نویسم که مفهوم «می» و «ساقی» را در ادبیات عرفانی روشن کنم که اگر  
جناب مُلا قصد یادگیری داشته باشد می آموزد و می داند که اگر بر این شاعران عارف شمشیر کشد در حقیقت بر آئینه  
شمشیر می کشد و شمشیر کشیدن بر آئینه همان شمشیر کشیدن بر خود است.  
«می» در اصطلاح شاعران عارف غلبه عشق و اخلاص است. حضرت مولانا میگوید:

زان میی کان می چو نوشیده شود آب نطق از گنگ جوشیده شود  
طفل نوزاده شود حبر و فصیح حکمت بالغ بخواند چون مسیح

و باز مولانا می گوید:

الله چون که عارف گفت می پیش عارف کی بُود معدوم شی  
فهم تو چون باده شیطان بُود کی ترا فهم می رحمان بُود

عطار می گوید:

چون می تحقیق خورد؛ در حرم کبریا  
پای طبیعت بیست؛ دست به اسرار بُرد

باز عطار می گوید:

ره میخانه و مسجد کدامست که هر دو بر من مسکین حرامست  
نه در مسجد گذارندم که رندی نه در میخانه کاین خمار خامست  
میان مسجد و میخانه راهیست بجوید ای عزیزان کاین کدامست  
مرا کعبه خراباتست امروز حریفم قاضی و ساقی امامست  
به میخانه امامی مست خفتست نمی دانم که آن بُت را چه نامست

برو عطار کو خود می شناسد  
که سرور کیست؛ سرگردان کدامست

و بالاخره شاه نعمت الله ولی می گوید:

در گوشه میخانه کسی را که مقامست ++ ناقص نتوان گفت که او رند تمامست  
از روز ازل تا به ابد عاشق و مستیم ++ خود خوشتر ازین دولت جاوید کدامست  
با ساقی رندان خرابات حریفیم ++ دایم بود آن ساقی و آن عشق مدامست  
بینام و نشان شو که در این کوی خرابات ++ بینام و نشان هر که شود نیک به نامست  
می نوش می عشق که پاکست و حلالست  
این می نه شرابیست که در شرع حرامست

اکنون دیگر با این تفصیل جناب مُلا باید فهمیده باشد که حافظ می گوید:  
«سجاده ات را با می عشق و اخلاص رنگین کن که این است آنچه سالک یعنی عارف کامل عارفی فارغ از حُب و  
بغض نسبت به اشخاص از تو می خواهد که این سالک راه حق از خم و پیچ و فراز و نشیب راه حق جویی خوب  
آگاه است و اتفاقاً همین حافظ در بیتی دیگر می گوید:

خدا زان خرقه بیزار است زنهار  
که صد بت باشدش در آستینی

و این بت ها بت های ریاکاری؛ عجب؛ خود بینی؛ غرور طاعت؛ مردم آزاری؛ و بت های دیگر است. فاعتبروا یا  
اولی الابصار نگارگر ۱۷ جون ۲۰۱۹ برمنگهم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر  
عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند.